

سنجش رابطه شکاف دیجیتالی و توانمندی زنان شهر شیراز

بیژن خواجه‌نوری^۱، مریم کریمی^{۲*}، سعید کشاورزی^۳

چکیده

توانمندی راهی برای دیده شدن زنان، همچون اعضای برابر جامعه، است که در عین حال می‌تواند نقش مهمی در توسعه جوامع ایفا کند. بر همین اساس، بررسی توانمندی زنان و عوامل مؤثر بر آن مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه شکاف دیجیتالی و توانمندی زنان شهر شیراز است. توانمندی زنان با مؤلفه‌های دسترسی و کنترل بر منابع، مشارکت در تصمیم‌گیری، آگاهی جنسیتی، تحرک، و امنیت بررسی شد. متغیرهای مستقلی که در این پژوهش بررسی شدند نیز عبارت‌اند از: طبقه اجتماعی، تحصیلات پاسخگو، تحصیلات همسر، شکاف فناوری، شکاف سواد اطلاعاتی، و شکاف دسترسی به اطلاعات. برای این پژوهش، نمونه‌ای به حجم ۶۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری لین و با شیوه نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شد. اطلاعات مورد نیاز با تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه، از بین زنان ۱۵-۵۴ ساله شهر شیراز جمع‌آوری شد. نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای طبقه اجتماعی، تحصیلات پاسخگو و همسر، شکاف فناوری، شکاف سواد اطلاعاتی، و دسترسی به اطلاعات با توانمندی زنان رابطه معناداری دارند. نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره نشان داد که به ترتیب متغیرهای شکاف سواد اطلاعاتی و تحصیلات زیر دیپلم حدود ۲۷ درصد از تغییرات متغیر توانمندی زنان را تبیین کرده‌اند.

کلیدواژگان

توانمندی، زنان، شکاف دیجیتالی، شیراز.

bkhaje@rose.shirazu.ac.ir
m.karimi1386@gmail.com
saeed.keshavarzi.21@gmail.com

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز
۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۱۳

مقدمه و طرح مسئله

امروزه، هم‌زمان با عصر اطلاعات، دانش و به طبع آن فناوری اطلاعات^۱ به‌منزله مهم‌ترین عامل توسعه شناخته می‌شود و سطح توسعه کشورها و جوامع با توجه به سطح دسترسی به این فناوری و میزان استفاده و بهره‌مندی از آن مشخص می‌شود. امروزه، تأکید بر اهمیت فناوری اطلاعات بر توسعه آن تا آنجا پیش رفته که گفته می‌شود فناوری اطلاعات و توانایی در استفاده از آن و سازگاری با آن از عوامل مهم در ایجاد ثروت، قدرت، و دانش است و یکی از معیارهای توسعه و پیشرفت اقتصادی و صنعتی محسوب می‌شود [۲۳، ص ۲۶]. فناوری اطلاعات و ارتباطات بیشتر ترکیبی از علم و تکنولوژی است. ظهور فناوری دیجیتال یکی از پیشرفت‌های بارز فناوری در نیم قرن اخیر به شمار می‌آید که نقش پیش‌رویی در رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای صنعتی شده و آن‌هایی که به‌تازگی صنعتی شده‌اند ایفا کرده [۲۵؛ ۲۱] و در زندگی کنونی بشر نقش بسزایی داشته است.

فاصله در دسترسی به فناوری‌های نوین (تلفن، رایانه، دسترسی به اینترنت) و خدمات مرتبط با آن [۲۹، ص ۳۳] موجب عقب‌ماندن عده‌ای و تفاوت میان افراد در سطوح مختلف زندگی اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی می‌شود که از آن به شکاف دیجیتالی یاد می‌شود. با شکل‌گیری مبحث جامعه اطلاعاتی و رشد سریع تکنولوژی‌ها، به‌ویژه تکنولوژی‌های جدید اطلاعات و ارتباطات، در سراسر جهان، به‌خصوص در کشورهای توسعه‌یافته، و مطرح شدن بحث شکاف دیجیتال، توجه به راهبردهایی جهت دستیابی همه افراد بشر به این فناوری‌ها لازم به نظر می‌رسد. همان‌طور که ذکر شد، شکاف دیجیتالی نوعی نابرابری برخاسته از تحولات در عرصه اطلاعات و فناوری ارتباطات است. پدیده‌ای است که قبل از توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات وجود نداشت و از زمان انقلاب دیجیتال پدید آمد [۱۴، ص ۸۴]. این نابرابری در چند سطح قابل بررسی است: می‌توان آن را در سطح جهان، میان کشورها، مناطق گوناگون، یا در درون یک جامعه میان اقشار مختلف بررسی کرد.

وعده فناوری اطلاعات و ارتباطات کمک به کاهش فقر است که وابسته به قدرتی است که فناوری اطلاعات و ارتباطات برای دسترسی مردان و زنان مستمند به اطلاعات و ارتباطات پیشرفته دارد [۲۴، ص ۵]. با این حال، برخی معتقدند که این فناوری‌ها می‌توانند به نابرابری‌های موجود مبتنی بر جنسیت در زمینه فرصت‌ها و منابع تداوم بخشیده و اشکال جدیدی از نابرابری میان زنان و مردان را به وجود آورند [۱، ص ۶۰۵] که از آن به شکاف دیجیتالی جنسیتی یاد می‌شود. در متن شکاف دیجیتالی، شکاف جنسیتی به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه است؛ به این معنی که اگر دسترسی و استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات پیوند

مستقیمی با توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد، پس باید این اطمینان حاصل شود که زنان در کشورهای در حال توسعه اهمیت فناوری‌های مذکور را درک و از آن استفاده می‌کنند [۱۳، ص ۴۳].

فناوری اطلاعات و ارتباطات از یک سو قابلیت ارتقای ترویج ارتباط جهانی، رفاه اقتصادی، توسعه اجتماعی، حکمرانی مناسب و دموکرات و در نتیجه ایجاد یک محیط مناسب برای کاهش فقر را دارد [۲۷]. اما از سوی دیگر، نگرانی‌های درخور توجهی درباره اثر بخشی فناوری اطلاعات و ارتباطات، به ویژه برای دستیابی به توزیع بهینه و عادلانه منابع، مطرح شده است. به رغم این بحث فناوری اطلاعات و ارتباطات برای کشورهای توسعه یافته از سوی بسیاری از آژانس‌ها تأیید شده و به صورت برنامه‌های توسعه‌ای به کار رفته است؛ در واقع کمبود نفوذ و اشاعه فناوری اطلاعات و ارتباطات (با توجه به مفهوم شکاف دیجیتالی) به خودی خود به منزله یک مشکل در نظر گرفته می‌شود. از این رو، بسیاری از شرکت‌های تجاری (مایکروسافت، اچ پی، سیستم‌های سیسکو) فناوری اطلاعات و ارتباطات را برای پروژه‌های توسعه‌ای خود با سیاست‌مداران ملی و محلی و سازمان‌های غیردولتی به کار برده‌اند [۲۴، ص ۸].

استفاده از اینترنت شاخصی استاندارد برای بررسی زیرساخت‌ها و میزان استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات است [۱۱، ص ۲۹]. آمارهای ارائه شده براساس توسعه یافتگی حاکی از آن است که در سال ۲۰۱۳، بیش از ۲/۷ میلیارد نفر در حال استفاده از اینترنت‌اند که مطابق با ۳۹ درصد از جمعیت جهان است. در جهان در حال توسعه، ۳۱ درصد از جمعیت در مقایسه با ۷۷ درصد کشورهای توسعه یافته، آن لاین هستند. همچنین آمارهای موجود براساس مناطق بیان می‌کنند که اروپا منطقه‌ای با بالاترین نرخ نفوذ اینترنت در جهان (۷۵ درصد) است که پس از آن آمریکا (۶۱ درصد) قرار دارد. در آفریقا، ۱۶ درصد مردم از اینترنت استفاده می‌کنند که این مقدار نصف مقدار نفوذ اینترنت در آسیا و اقیانوسیه (۳۲ درصد) است [۳۰]. همان‌طور که از آمارها برمی‌آید، در کشورهای در حال توسعه، به استثنای حریم سکونتی افراد ثروتمند، دسترسی منازل به رایانه و اینترنت پدیده‌ای درخور توجه نیست [۱۱، ص ۳۹].

در کشور ایران، در سال ۱۳۹۲، حدود ۳۸ درصد درصد افراد صاحب خط تلفن ثابت، ۷۶/۹ درصد مشترکان تلفن همراه، ۴۱/۸ درصد خانوارها دارای رایانه، ۲۶/۵ درصد خانوارها دارای دسترسی به اینترنت و ۲۶ درصد دارای کاربری فردی از اینترنت‌اند [۳۰].

بنابراین، این فناوری به شمشیر دولبه‌ای تعبیر می‌شود که از یک سو موجب پیشرفت دانش جامعه و از سوی دیگر باعث هرچه عمیق‌تر شدن شکاف جنسیتی و اجتماعی می‌شود [۳۵، ص ۱]. طبق آماری که در سایت اتحادیه بین‌المللی مخابرات درباره شکاف جنسیتی در سال ۲۰۱۳ بیان شده، مردان بیشتر از زنان از اینترنت استفاده می‌کنند [۳۰]. دسترسی نداشتن به فناوری اطلاعاتی و ارتباطی عاملی مهم برای گوشه‌نشینی زنان از روند کلی

اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی کشورهایشان و جهان است [۲۸، ص ۷]. از طرف دیگر، زمانی که روابط اجتماعی قدرت عادلانه‌تر شود، تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توسعه و تغییر، وابسته به روابط اجتماعی اقتصادی گسترده‌ترند [۳۶، ص ۱۳]. فناوری اطلاعات و ارتباطات دسترسی زنان به اشتغال و حرفه‌های جدید، مشارکت در یادگیری تعاملی و نوآوری‌های اطلاعات و ارتباطات راه دور را باعث می‌شود. این تکنولوژی به زنان کمک می‌کند که جایگاه خود را در فضای عمومی جامعه اطلاعاتی، ایجاد منابع، و مشارکت در ایده‌ها پیدا کنند [۳۸، ص ۲] و باعث هرچه توانمندتر شدن زنان در همه عرصه‌های زندگی می‌شود. بنت با برداشت از نظر نارایان (۲۰۰۲)، توانمندشدن را «افزایش امتیازها و توانایی‌های افراد و گروه‌های مختلف، به منظور درگیر شدن، نفوذ یافتن در، و پاسخگو کردن نهادهایی است که بر آنان تأثیرگذار است»، توصیف می‌کند [۱۷، ص ۱۵۵].

از آنجا که فناوری‌ها در توانمندسازی بشر مؤثر واقع می‌شوند، نقش این فناوری‌ها بر زنان، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، به‌منزله یکی از اقشار در حاشیه مانده بسیار مورد توجه است. فناوری اطلاعات و ارتباطات به خودی خود فرصتی استثنایی را برای دختران و زنان فراهم می‌کند. لازمه استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، دانش است که با کسب آن و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات سواد مضاعفی را به دنبال می‌آورد [۳۵، ص ۹].

پژوهش‌ها در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که مردم ایران تحت تأثیر تغییرات حاصل از جهانی شدن بوده‌اند [۳]. همچنین پژوهش‌های انجام شده در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات نشان می‌دهند نفوذ رسانه‌های مدرنی همچون تلفن همراه، ماهواره، و اینترنت در ایران به سرعت گسترش یافته است [۵]. در همین زمینه، تحقیقات خواجه‌نوری نشان می‌دهد شهر شیراز به شدت تحت تأثیر جهانی شدن است که یکی از مؤلفه‌های اصلی آن گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات است [۹]. براساس آمار، شهر شیراز از نظر میزان ضریب نفوذ اینترنت جزء پنج شهر اول کشور است [۲۹]. مسلماً، با توجه به محدودیت‌های شهری، امکانات دیجیتال، و به تبع آن امکان دسترسی افراد به این امکانات در همه سطوح شهر به صورت یکسانی وجود ندارد. بر این اساس، شکاف دیجیتال در سطح شهر شیراز می‌تواند عامل ایجاد فاصله بین افراد از حیث دسترسی داشتن یا نداشتن به فناوری اطلاعات و ارتباطات باشد. با توجه به اهمیت شکاف دیجیتالی و نقشی که می‌تواند در توانمندی زنان شهر شیراز ایفا کند، این پژوهش به بررسی رابطه شکاف دیجیتالی و توانمندی زنان در سطح شهر شیراز می‌پردازد.

چارچوب نظری

به‌طور کلی، در رابطه با تشریح و تبیین شکاف دیجیتالی نظریه‌های متنوعی وجود دارد. نظریه جبرگرایی تکنولوژیک، تکنولوژی را دارای ماهیت و نیز هویت خودمختار و مستقل می‌داند که

توسعه و گسترش آن نیز براساس یک منطق درونی منحصر به فرد و در مسیری مربوط به خودش صورت می‌گیرد که خیلی زیاد از عوامل بیرونی متأثر نیست، بلکه آثار جبری نیز بر جامعه دارد [۲۲]. واینر در کتاب *تکنولوژی خودمختار*^۱ بیان می‌کند که: تکنولوژی می‌تواند آگاهانه یا ناآگاهانه برای برخی گزینه‌های اجتماعی و حذف برخی دیگر طراحی شود [۳۷، ص ۳۹]. بیشتر جامعه‌شناسان با نظریه جبر فناوری مخالفت کرده‌اند. پستمن معتقد به جبر فناوری را تکنوفیل «دلباختگان فناوری» می‌خواند که مانند یک عاشق به معشوق خود نظاره می‌کند، به تکنیک می‌نگرند بدون آنکه لحظه‌ای نقاب از دیگر چهره آن برداشته یا حتی ذره‌ای به عواقب آتی آن بیندیشند. این چنین انسان‌هایی خطرناک‌اند و باید با احتیاط با آنان روبه‌رو شد [۷].

نظریه اشاعه ابتدا در سال ۱۹۵۳ به وسیله تورستن هاگراستراند^۲، جغرافیدان سوئدی، در دانشگاه لاند منتشر شد. اشاعه فرایندی است که به وسیله آن، نوآوری از طریق ایجاد کانال‌های خاصی در طول زمان، در میان اعضای نظام اجتماعی ارتباط برقرار می‌کند. ارتباطات فرایندی است که در آن شرکت کنندگان اطلاعاتشان را با یکدیگر به منظور رسیدن به درک و فهم متقابل به اشتراک می‌گذارند. این تعریف نشان می‌دهد که ارتباطات یک روند همگرا یا واگرا برای تبادل اطلاعات بین دو یا بیشتر از دو نفر، در جهت حرکت به سمت یکدیگر (یا جدا از هم)، در معنایی است که آن‌ها به رویدادهای خاصی نسبت می‌دهند. این چنین مفهوم ساده از ارتباطات انسان ممکن است به طور دقیق فعالیت‌های ارتباطی خاص یا رویدادهای درگیر در اشاعه را توصیف کند [۳۴، ص ۵].

یکی از نظریه‌های مهم در توسعه فناوری اطلاعات، نظریه شکاف دیجیتالی است. براساس شکاف دیجیتالی، دیگر صرف حضور رسانه‌های سنتی (تلویزیون، رادیو، و مطبوعات) و نیز دسترسی نداشتن به آن‌ها و ناآگاهی از محتوای آن‌ها نیست که به شکاف آگاهی میان افراد منجر می‌شود، بلکه رسانه‌های دیجیتال چون رایانه، تلفن همراه، و مهم‌تر از همه شبکه‌های شبکه‌ها، یعنی اینترنت، است که می‌تواند مبنایی باشد برای بروز شکاف دیجیتال میان کشورهای غنی و فقیر و نیز میان انسان‌های غنی و فقیر از لحاظ سواد و نیز از لحاظ پایگاه اقتصادی که به آن تعلق دارند [۹]. همه سطح سواد یا سطح آموزش لازم برای بهره‌برداری از اطلاعات موجود را ندارند و همه به آگاه بودن یا داشتن توانایی‌های اطلاع‌جویی، که خیلی مهم است، احساس نیاز نمی‌کنند و انگیزه کافی برای استفاده از اطلاعات در دسترس را ندارند [۲۳].

از نظر برتو، شکاف دیجیتالی دارای ابعاد مختلف فناوری، اقتصادی، ارتباطی، و دسترسی به اطلاعات به شرح ذیل است:

1. Autonomous Technology
2. Hagerstrand

فناوری^۱: شکاف بین کسانی که به فناوری دسترسی دارند و کسانی که به فناوری دسترسی ندارند [۲۶، ص ۲۶۹].

اقتصادی^۲: شکاف بین کسانی که توانایی و قابلیت استفاده از منابع را برای توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی پیشرفته دارند و کسانی که ندارند [۲۶، ص ۲۶۹].

سواد اطلاعاتی^۳: این بُعد دربرگیرنده مجموعه‌ای از حداقل مهارت‌ها برای استفاده از ابزارهای جست‌وجوی اطلاعات برای تعیین منابع مناسب و بازیابی اطلاعات مفید برای ارزیابی و دسترسی به رابط اطلاعاتی و ترکیب این اطلاعات در مکانیزمی است که قابلیت حل مشکل اطلاعاتی را داشته باشد [۲۶، ص ۲۶۹].

ارتباطات^۴: یکی دیگر از ابعاد تأثیرگذار بر شکاف نوع ارتباطات است. کسانی که به فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته مانند خدمات اینترنتی پهن‌بند دسترسی دارند و کسانی که فقط به اشکال ساده فناوری اطلاعات و ارتباطات مانند خطوط تلفن ثابت دسترسی دارند [۲۶، ص ۲۶۹].

دسترسی به اطلاعات^۵: اعتقاد بر این است که برخی از انواع شکاف بین کسانی است که به ابزارها و حمایت‌های اجتماعی مورد نیاز برای دسترسی و تبادل اطلاعات دسترسی دارند و آن‌ها که از این حقوق برخوردار نیستند [۲۶، ص ۲۶۹].

آنچه بر تو در ابعاد شکاف دیجیتالی مطرح کرده است (فناوری، اقتصادی، سواد اطلاعاتی، ارتباطات، دسترسی به اطلاعات)، به خوبی مشخص می‌کند که بروز یک فناوری موجب می‌شود که به لحاظ اجتماعی تفاوت‌های کلی بین افراد ایجاد کند. آنچه بر تو ارائه می‌دهد باعث رشد درک هرچه بیشتر شکاف دیجیتالی می‌شود. ابعاد مطرح شده از سوی بر تو می‌تواند یک تعریف منسجم را درباره شکاف دیجیتالی ارائه دهد. بنابراین، این ابعاد جهت سنجش شکاف دیجیتالی مناسب دیده شد.

نظریه توانمندسازی براساس نوشته‌های فمینیست‌ها و تجارب کشورهای جهان سوم شکل گرفته است. این نظریه، به‌منزله یک استراتژی، موقعیت زنان در جهان سوم را به تدریج تغییر می‌دهد. با اینکه نظریه توانمندسازی از نابرابری بین زن و مرد و سرچشمه فرمانبرداری زنان در خانواده آگاه است، بر این حقیقت تأکید دارد که به زنان ظلم و تعدی متفاوتی روا می‌شود که به نژاد، طبقه، و موقعیت فعلی آن‌ها در نظام بین‌المللی اقتصادی بستگی دارد. بنابراین، این نظریه تأکید می‌کند که زنان باید ساختار و موقعیت ظلم را در سطوح مختلف و هم‌زمان زیر سؤال برند و با آن مبارزه کنند. این نظریه درحالی که به اهمیت افزایش قدرت برای زنان واقف است، سعی می‌کند که قدرت را کمتر

-
1. technology
 2. economic
 3. information literacy
 4. telecommunication
 5. information access

به صورت برتری فردی بر فرد دیگر و بیشتر از لحاظ توان زنان در جهت افزایش اتکا به خود و قدرت درونی شناسایی کند. این امر به صورت حق انتخاب در زندگی و تأثیرگذاری بر انتخاب جهت تغییراتی از طریق به دست گرفتن کنترل منابع مادی و غیرمادی اساسی مشخص شده است. این نظریه تأکید کمتری بر افزایش موقعیت زن نسبت به مرد دارد و به دنبال توانمندسازی زنان از راه توزیع مجدد قدرت در داخل خانواده و همچنین بین اجتماعات مختلف است. این نظریه دو فرض اساسی نظریه برابری را زیر سؤال می‌برد: اول اینکه توسعه لزوماً به همه مردان کمک می‌کند و دوم اینکه زنان می‌خواهند در جریان اصلی توسعه قرار بگیرند [۲۱، ص ۱۱۳-۱۱۴].

پلنت^۱ یکی از نظریه پردازان شناخته شده سایبر فمینیسم به ارتباط بین شبکه سازی دیجیتالی و همبستگی های زنان پرداخته است. وی معتقد است، انقلاب دیجیتالی با فرایند انقلاب زنان یا زنانه شدن همراه است. پلنت آزادی اجتنابناپذیر زنان را به منزله برجسته ترین نتیجه شبکه های اطلاعاتی معرفی می کند [۴].

فمینیسم سایبری در پی جلب توجه ما به روش هایی بوده است که به موجب آنها روایات فرهنگی درباره تکنولوژی، اعمال مادی و تخیلات فرهنگی مردان و زنان را محدود کرده اند. گذار از جهانی انسان گرایانه به یک جهان پسانسان گرایانه متضمن شالوده شکنی فرضیه هایی است که خواهان سوگواری برای از بین رفتن فرهنگی ادبی اند که به لحاظ تکنولوژیک توسعه نیافته است. در این قرائت، امر تکنولوژیک در تقابل با ارزش های انسانی قرار ندارد، بلکه آن را باید در هم آمیخته و هم مصداق با امر انسانی تلقی کرد. با توسعه رسانه های جدید، فمینیست های سایبر فرصت شالوده شکنی درکی را پیدا کرده اند که مرد بودن را در کنار تکنولوژی و زن بودن را در کنار طبیعت قرار می دهد [۲]. فمینیسم سایبر از طریق براندازی رمزهای غالبی که در پی معرفی زنان به عنوان موجوداتی اساساً دلسوز، پرورش دهنده، و مطیع از یک سو و نیز پایه ریزی تکنولوژی به منزله امری سلسله مراتبی، کنترل کننده، و انحصارگر بوده اند، خواستار کشف سایر امکانات شده است [۲].

لانگه^۲ زنان را بر کنترل بیشتر بر جنبه های زندگی خود تشویق می کند و مشارکت مستقیم را در حیات اجتماعی جامعه و توسعه، هم به منزله نتیجه و هم به منزله ابزار توانمندسازی زنانه، توصیه می کند. مراحل برابری از نظر لانگه عبارت اند از: رفاه^۳، دسترسی^۴، آگاهی^۵، مشارکت^۶، و کنترل^۷. اکنون به شرح هر یک از این مراحل می پردازیم.

-
1. plant
 2. Langwe
 3. welfare
 4. access
 5. conscientastion
 6. participution
 7. control

رفاه: در این مرحله، مسائل رفاه مادی زنان در مقایسه با مردان در مواردی مانند وضعیت تغذیه، تهیه مواد غذایی، و درآمد بررسی می‌شود. زنان، افرادی منفعل تصور می‌شوند که قادر نیستند در وضع خود تغییراتی بدهند و فقط از مزایای برنامه‌های رفاهی استفاده می‌کنند.

دسترسی: فواصل جنسیتی در مرحله رفاهی مستقیماً از مسئله نابرابری دسترسی به منابع ناشی می‌شود. فواصل جنسیتی در اینجا به معنی دسترسی کمتر زنان به منابع است.

آگاهی: این مرحله از برابری شامل این است که زنان نابرابری‌های ساختاری را درک می‌کنند. زنان باید درک کنند که مشکلات آن‌ها ناشی از بی‌کفایتی‌ها و کمبودهای شخصی ایشان نمی‌شود، بلکه این سیستم اجتماعی است که این تبعیض‌ها را بر آن‌ها تحمیل کرده است.

مشارکت: در اینجا به معنی مشارکت برابر زنان در تصمیم‌گیری است؛ یعنی حضور زنان در همه مراحل، بررسی نیازها، شناسایی مشکلات، برنامه‌ریزی مدیریت، اجرا، و ارزشیابی است. شرکت زنان در همه پروژه‌هایی که به آنان مربوط است و دخالت دادن آن‌ها باید نسبت به تعدادشان باشد.

کنترل: افزایش مشارکت زنان در حد تصمیم‌گیری آن‌ها را به سوی توسعه فزاینده سوق داده و توان‌تر می‌کند؛ به نحوی که این مشارکت برای کسب افزایش کنترل عوامل تولید و تضمین برابری دسترسی به منابع و توزیع عادلانه منافع باشد. برابری در کنترل به معنای توازن قدرت بین زنان و مردان است و این به معنای آن است که هیچ‌یک از آن‌ها در مقام فرمانروایی نخواهد بود [۱۹، ص ۲۷-۳۲].

لانگه، در بررسی‌های خود، شکاف دیجیتالی را در فرایند توانمندسازی به کار نبرده، اما روش بررسی وی راهی جدید در بررسی‌های توانمندی گشوده است. با بهره‌گیری از ابعاد شکاف دیجیتالی برتو و تلفیق آن با رویکرد توانمندسازی لانگه، می‌توان به موفقیت‌هایی دست یافت.

به بیان دیگر، در مرحله رفاه بحثی از فناوری وجود ندارد، اما برای برابری باید فواصل جنسیتی به منابع، که یکی از مهم‌ترین آن‌ها در عصر حاضر فناوری است، کم شود. در مرحله بعد، زنان به این شکاف و نابرابری از فناوری آگاهی پیدا می‌کنند. به بیان دیگر، آن‌ها درمی‌یابند که یکی از منابع کاهش‌دهنده فواصل جنسیتی مجموعه‌ای از حداقل مهارت‌ها برای استفاده از ابزارهای جست‌وجوی اطلاعات برای تعیین منابع مناسب و بازیابی اطلاعات مفید است. در همین زمینه، آن‌ها باید شکاف بین خودشان و مردان به‌عنوان کسانی که توانایی و قابلیت استفاده از منابع را برای توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی پیشرفته دارند، کاهش دهند.

برای نیل به این مقصود استفاده از شبکه‌های اینترنتی پهن‌بند به جای استفاده صرف از فناوری‌های پیشین همچون تلفن ثابت می‌تواند بسیار پراهمیت باشد. این امر به آن‌ها کمک می‌کند تا مشارکت وسیع‌تر و فعالانه‌تری در حیات اجتماعی‌شان داشته باشند. تضارب آرا در

محیط دیجیتالی و همکاری برای شناسایی مشکلات و راه‌های برون‌رفت از آن در این فضا اهمیت درخوری دارد.

مشارکت نظام‌یافته زنان، که در پرتو اطلاعات وسیع از جریان امور است، می‌تواند به آن‌ها در کنترل شرایط و تضمین برابری دسترسی به منابع و توزیع عادلانه منافع یاری کند. از سوی دیگر، افرادی فاقد درآمد یا دارای درآمد ناچیز امکان کمتری برای دسترسی و استفاده از فناوری‌های نوین را دارند. این امر برای کسانی که سطح تحصیلات پایین و سطح سواد اطلاعاتی کمی دارند نیز صادق است، زیرا طبق تعریف سواد اطلاعاتی، افراد بی‌سواد یا کم‌سواد قادر به استفاده از فناوری نیستند [۱۲، ص ۳۳۸].

فناوری اطلاعات و ارتباطات امروزه به‌منزله ابزاری توانمند در خدمت بشر قرار گرفته و امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی بیشتر کشورها را تحت تأثیر قرار داده است [۱۶]. فقر دانش و اطلاعات و نیز شکاف دیجیتالی اطلاعات، از دلایل مهم عقب‌ماندگی جوامع و افراد به خصوص زنان است. فناوری اطلاعاتی و ارتباطی فرصت‌های مهمی را برای شکوفایی استعداد افراد در زمینه‌های کاری و ارتقای مشارکت فعالانه و اثرگذار آنان در زندگی اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی افراد فراهم می‌آورد. فناوری اطلاعات و ارتباطات را به‌منزله ابزاری برای بهبود شرایط جنسیتی و افزایش توانمندی‌های اجتماعی، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی زنان در نظر می‌گیرند [۱۵].

روش تحقیق

تکنیک استفاده‌شده در این تحقیق پیمایش بوده است. جامعه آماری مطالعه‌شده شامل همه زنان ۱۵-۵۴ سال مناطق نه‌گانه شهر شیراز بوده که طبق آمار سرشماری سال ۱۳۹۰، ۵۲۵ هزار و ۵۹۹ نفر گزارش شده است [۳۱]. شهر شیراز به لحاظ اقتصادی-اجتماعی پراکندگی نسبتاً بالایی دارد. به بیان دیگر، گروه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی به‌طور موزاییکی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. بر این اساس، سعی شد تا حجم نمونه را با توجه به این وضعیت و امکانات موجود زیاد بگیریم. در این پژوهش، برای محاسبه حجم نمونه از روش نمونه‌گیری لین^۱ [۳۲] استفاده شد. بر این اساس، تعداد نمونه تحقیق با فرض اینکه پارامتر در جامعه ۵۰ درصد باشد (حداکثر احتمال) و سطح اطمینان ۹۵ درصد و هم‌چنین پایایی ۴± معادل ۶۰۰ نفر بود. شیوه نمونه‌گیری، تصادفی چندمرحله‌ای بود. بدین معنی برای توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها در ابتدا مناطق نه‌گانه شهر شیراز انتخاب و سپس درون هر منطقه به نسبت وجود خانوارها، بلوک‌های کوچک‌تر به‌منزله یک خوشه در نظر گرفته شدند. پرسشنامه استفاده‌شده

در این تحقیق شامل سه بخش است. بخش اول جهت سنجش متغیرهای زمینه‌ای، بخش دوم پرسشنامه شکاف دیجیتالی، و بخش سوم پرسشنامه توانمندی زنان. پرسشنامه شکاف دیجیتالی محقق ساخته است. قسمت دیگر پرسشنامه توانمندی است که در آن ابعاد توانمندی لانگه به صورت محقق ساخته سنجیده شده قرار گرفته و جهت سنجش ابعاد دیگر توانمندی شامل امنیت و تحرک از پرسشنامه گاپتا^۱ و سریواتاوا^۲ استفاده شده است. برای بررسی میزان دقت شاخص‌ها و گویه‌های مربوط به هر متغیر و سنجش روایی کل پرسشنامه، از روایی صوری^۳ استفاده شد. در این تحقیق، برای اطمینان از پایایی پرسشنامه، از ۱۰ درصد جامعه آماری پیش‌آزمون به عمل آمد که با استفاده از روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد. پس از بررسی پایایی، در مرحله اولیه و اصلاح ابزار سنجش، پرسشنامه نهایی تهیه و داده‌ها جمع‌آوری شد. مقدار آماری آلفای کرونباخ برای مقیاس‌ها در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. آلفای کرونباخ مقیاس‌ها

متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
شکاف سواد اطلاعاتی	۱۴	۰٫۹۳۱
مشارکت در تصمیم‌گیری	۶	۰٫۸۳۸
دسترس و کنترل بر منابع	۱۲	۰٫۷۹۸
تحرک	۴	۰٫۸۵۵
امنیت	۳	۰٫۷۴۱
آگاهی جنسیتی	۱۱	۰٫۸۶۳

در این پژوهش از نرم‌افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل در دو سطح توصیفی و استنباطی استفاده شد. همچنین از آزمون‌های معناداری همچون، آزمون همبستگی پیرسون^۴، تحلیل رگرسیون^۵ و اف-تست^۶ برای نشان دادن تفاوت‌های آماری و معنادار بودن روابط فرضیات استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

جدول ۲ آزمون تفاوت در توانمندی زنان را برحسب طبقه اجتماعی پاسخگو نشان می‌دهد. میانگین نمرات نشان‌دهنده این مطلب است که هرچه طبقه اجتماعی افزایش یافته است،

1. Gupta
2. Srivastava
3. face validity
4. pearson correlation
5. regression analysis
6. F-test

میانگین نمرات توانمندی نیز بیشتر شده است. همچنین براساس آزمون F با سطح معناداری $Sig = 0.036$ ، این نتیجه حاصل می‌شود که با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معناداری بین طبقه اجتماعی و توانمندی زنان وجود دارد. با توجه به یافته‌های جدول ۲ می‌توان نتیجه گرفت که طبقه اجتماعی با امکاناتی که در اختیار اعضای خود قرار می‌دهد، می‌تواند به توانمندی زنان عضو طبقه کمک کند. بر این اساس، نقش عضویت طبقاتی در توانمندی زنان تأیید می‌شود. از سوی دیگر، طبقات بالاتر به دلیل داشتن امکانات مالی بیشتر، بهتر می‌توانند از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید، که دارای هزینه‌های بیشتری هم خواهند بود (از قبیل شارژ اشتراک، ADSL پرسرعت، ...)، استفاده کنند.

جدول ۲. آزمون تفاوت در توانمندی زنان برحسب طبقه اجتماعی

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	F	درجه آزادی	سطح معناداری
طبقه بالا	۱۹۴	۵۸٫۸۲	۱۴٫۲۵۴	۳۳۳۱	۵۹۹	۰٫۰۳۶
طبقه متوسط	۳۱۰	۵۶٫۱۶	۱۳٫۹۱۵			
طبقه پایین	۹۶	۵۴٫۶۶	۱۵٫۶۲۴			

جدول ۳ آزمون تفاوت در توانمندی زنان را برحسب میزان تحصیلات پاسخگو نشان می‌دهد. میانگین نمرات نشان‌دهنده این مطلب است که هرچه تحصیلات افزایش یافته است، میانگین نمره‌ها توانمندی زنان نیز بیشتر شده است. همچنین براساس آزمون F با سطح معناداری $Sig = 0.000$ ، این نتیجه حاصل می‌شود که با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معناداری بین تحصیلات و توانمندی زنان وجود دارد. آماره‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که تحصیلات بیشتر به دلیل آنکه روش‌های مقابله‌ای بیشتری در اختیار دارندگان خود قرار می‌دهد، به آن‌ها یاری می‌رساند تا در شرایط مختلف بتوانند در حل مشکلات خود بهتر فایز آیند. همچنین زنان با تحصیلات بالاتر بهتر می‌توانند از رایانه و امکانات آن و سایر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی استفاده کنند.

جدول ۳. آزمون تفاوت در توانمندی زنان برحسب میزان تحصیلات پاسخگو

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	F	درجه آزادی	سطح معناداری
زیر دیپلم	۱۳۸	۴۸٫۷۶	۱۴٫۷۵۲	۳۹٫۵۱۳	۵۹۹	۰٫۰۰۰
دیپلم	۲۹۰	۵۷٫۲۴	۱۳٫۱۷۲			
لیسانس و بالاتر	۱۷۲	۶۲٫۴۴	۱۳٫۰۶۷			

جدول ۴ آزمون تفاوت در توانمندی زنان را برحسب میزان تحصیلات همسر نشان می‌دهد. میانگین نمره‌ها نشان‌دهنده این مطلب است که هرچه تحصیلات همسر افزایش یافته است،

میانگین نمره‌های توانمندی زنان نیز بیشتر شده است. همچنین براساس آزمون F با سطح معناداری $Sig = 0/000$ ، این نتیجه حاصل می‌شود که با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معناداری بین تحصیلات و توانمندی زنان وجود دارد.

نتایج جدول ۴ گویای آن است که حمایت همسر، که خود متأثر از میزان تحصیلات وی است، می‌تواند در توانمندی بیشتر زنان مؤثر باشد. زنانی که شوهران تحصیل کرده‌تر دارند، از حمایت بیشتری از جانب آن‌ها برخوردار خواهند بود.

جدول ۴. آزمون تفاوت در توانمندی زنان بر حسب میزان تحصیلات همسر

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	F	درجه آزادی	سطح معناداری
زیر دیپلم	۸۹	۵۰٫۷۵	۱۳٫۶۸۷	۱۸٫۲۴۶	۳۵۳	۰٫۰۰۰
دیپلم	۱۶۲	۵۵٫۶۲	۱۳٫۴۴۷			
لیسانس و بالاتر	۱۰۳	۶۲٫۳۵	۱۳٫۱۸۰			

جدول ۵ نتایج همبستگی پیرسون بین متغیرهای شکاف فناوری، شکاف دسترسی به اطلاعات، و شکاف سواد اطلاعاتی با توانمندی زنان را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج به دست آمده، میان شکاف فناوری، شکاف دسترسی به اطلاعات، و شکاف سواد اطلاعاتی با توانمندی زنان رابطه مثبت و معناداری در سطح $0/000$ وجود دارد. از طرفی، رابطه شکاف سواد اطلاعاتی با توانمندی از رابطه دیگر ابعاد شکاف دیجیتالی و توانمندی قوی‌تر است.

جدول ۵. همبستگی میان ابعاد شکاف دیجیتالی و توانمندی زنان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	نوع همبستگی	میزان همبستگی	سطح معناداری
شکاف فناوری	توانمندی	پیرسون	۰٫۳۳۳	۰٫۰۰۰
شکاف دسترسی به اطلاعات	توانمندی	پیرسون	۰٫۲۰۴	۰٫۰۰۰
شکاف سواد اطلاعاتی	توانمندی	پیرسون	۰٫۴۶۶	۰٫۰۰۰

جدول ۶ نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره را به شیوه گام‌به‌گام برای متغیر توانمندی زنان نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از بین متغیرهای وارد شده، شکاف سواد اطلاعاتی و تحصیلات زیر دیپلم رابطه علی معناداری با توانمندی دارند ($Sig < 0/05$). بیشترین تبیین رگرسیونی بر متغیر توانمندی زنان توسط شکاف سواد اطلاعاتی با ضریب $0/466$ است. پس از آن متغیر تحصیلات زیر دیپلم با ضریب $-0/227$ بر توانمندی زنان مؤثر بوده است. درنهایت، این دو متغیر توانستند ۲۷ درصد از پراکنش متغیر وابسته را تبیین کنند.

جدول ۶. آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره برای تبیین متغیر توانمندی زنان

سطح معناداری T	T	بتا	سطح معناداری F	F	R2	متغیرهای وارد شده به معادله	مراحل ورود متغیرها
۰,۰۰۰	۱۲,۸۸۲	۰,۴۶۶	۰,۰۰۰	۱۶۵,۹۴	۰,۲۱۶	شکاف سواد اطلاعاتی	اول
۰,۰۰۰	-۶,۳۶۵	-۰,۲۲۷	۰,۰۰۰	۱۰۸,۷۱	۰,۲۶۵	تحصیلات زیر دیپلم پاسخگو	دوم

بحث و نتیجه گیری

تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی با رشد گسترده خود امروزه موجبات تغییر بسیاری را فراهم آورده است. از آنجا که زنان از جمله گروه‌های محروم جامعه در دسترسی به منابع هستند، فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند به واسطه ویژگی‌های خود، اسباب دسترسی آن‌ها به منابع یک زندگی متعادل و برابر با مردان را فراهم کند که موجبات هرچه توانمندتر شدن زنان می‌شود.

مسئله پژوهش حاضر، بررسی رابطه شکاف دیجیتالی و توانمندی زنان است. بر این اساس، به نظریه‌های مرتبط با شکاف دیجیتالی و توانمندی زنان پرداختیم که نظریه توانمندی لانگه و ابعاد شکاف دیجیتالی برتو، به‌منزله چارچوب نظری تحقیق انتخاب شدند. مفاهیم دسترسی و کنترل به منابع، مشارکت در تصمیم‌گیری، و آگاهی جنسیتی از نظریه لانگه و ابعاد سواد اطلاعاتی، دسترسی به اطلاعات، و فناوری از ابعاد شکاف دیجیتالی برتو انتخاب شد.

براساس نتایج تحقیق، میان طبقه اجتماعی فرد با توانمندی زنان رابطه معناداری وجود دارد. می‌توان گفت اعضای طبقات بالاتر اجتماعی به لحاظ ارتباطات بیشتری که با دنیای بیرونی دارند، بیشتر با تحولات و تغییرات در عرصه‌های مختلف زندگی از جمله فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی روبه‌رو می‌شوند. همچنین با توجه به امکانات اقتصادی مناسب بهتر می‌توانند از این تحولات برخوردار شوند. بنابراین، می‌توان این تصور را داشت که زنان طبقات بالای اجتماع بیش از زنان سایر طبقات به فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی دسترسی داشته باشند و همین امر به توانمندی آن‌ها در عرصه فناوری و اطلاعاتی کمک می‌کند.

رابطه بین تحصیلات پاسخگو و توانمندی زنان نیز در این مطالعه آزموده شد. نتایج نشان داد که زنان با سطوح تحصیلات بالاتر توانمندتر از زنان دیگرند. کتابی و همکاران (۱۳۸۲) نیز بین افزایش سطح تحصیلات و توانمندی زنان رابطه معناداری یافتند [۱۸]. همچنین ساعی‌ارسی و ولی‌پور (۱۳۹۱) نیز نقش تحصیلات در توانمندی زنان را بررسی کرده و به رابطه

معناداری بین آن‌ها رسیده‌اند [۷]. به نظر می‌رسد با بالا رفتن سطح تحصیلات، تحرک، مشارکت در تصمیم‌گیری، و آگاهی فرد بالا رفته و توانمندی ایجاد می‌شود. فرضیه دیگری که تأیید شد، رابطه تحصیلات همسر با توانمندی زنان است. هرچه تحصیلات همسر بالاتر باشد، دید مثبت‌تری به فعالیت‌های اجتماعی زن وجود دارد. همچنین شرایط مساعدتری در خانواده ایجاد می‌شود تا زنان بتوانند بیشتر پیشرفت کنند و می‌توان گفت مردانی که تحصیلات بالاتری دارند بیشتر زنان خود را برای رسیدن به مراحل پیشرفت تشویق می‌کنند.

بر اساس نتایج تحقیق، متغیر شکاف فناوری (یکی از ابعاد سه‌گانه شکاف دیجیتالی) دارای رابطه معناداری با توانمندی زنان است. پژوهش فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که زنانی که کاربر فناوری بودند سطح توانمندی بالاتری داشتند [۱۵]. مجیدی قهرودی و آذری (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود یادآور شدند که استفاده از اینترنت جایگاه زنان را در جامعه ارتقا می‌بخشد [۲۰]. همچنین ساعی‌ارسی و ولی‌پور (۱۳۹۱) بیان کرده‌اند که فناوری نقش اساسی در توانمندی زنان داشته است [۷]. بنابراین، به نظر می‌رسد که زنان با دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات، با فرصتهایی که دنیای مجازی برای آن‌ها به وجود می‌آورد آشنا می‌شوند و در نتیجه طرز فکر آن‌ها راجع به کلیشه‌های سنتی تغییر می‌کند و در نهایت باعث تحرک هرچه بیشتر زنان می‌شود.

رابطه معنادار متغیر سواد اطلاعاتی (یکی از ابعاد سه‌گانه شکاف دیجیتالی) با توانمندی زنان تأیید شد. پژوهش افشارکهن و زمانی (۱۳۸۸) نیز نشان داد فقدان سواد اطلاعاتی موجب افزایش شکاف دیجیتالی می‌شود [۳]. بنابراین، با افزایش شکاف سواد اطلاعاتی، که خود بعدی از شکاف دیجیتالی است، توانمندی زنان کاهش می‌یابد. با پایین بودن سواد اطلاعاتی، مهارت زنان در استفاده از اینترنت کاهش می‌یابد و زنان نمی‌توانند به‌دروستی از فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده کنند و از مزایای آن بهره ببرند.

متغیر دسترسی به اطلاعات (یکی از ابعاد سه‌گانه شکاف دیجیتالی) رابطه معناداری با توانمندی زنان دارد. به نظر می‌رسد که با حمایت اجتماعی و دسترسی زنان به اینترنت و رایانه در سطح اجتماع (محل کار، تحصیل و...)، زنانی که در خانه به رایانه و اینترنت دسترسی ندارند، می‌توانند از مزایای آن استفاده کنند و سطح دانش خود را بالا ببرند؛ تا به آگاهی هرچه بیشتر دست یابند و بتوانند در اجتماع حضور داشته باشند، که خود عاملی برای توانمند شدن زنان است. همچنین، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام، دو متغیر شکاف سواد اطلاعاتی و تحصیلات زیر دیپلم توانستند ۲۷ درصد از تغییرات توانمندی زنان را تبیین کنند. دیگر متغیرها تأثیری در معادله رگرسیون نداشتند و از معادله نهایی کنار گذاشته شدند. بنابراین، در مرحله کنونی زنانی که نسبت به کاربرد وسایل و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی حداقلی از اطلاعات را دارند، در مقایسه با زنانی که شناختی از این فناوری‌ها و نحوه کاربرد آن‌ها آگاهی ندارند از

توانمندی بیشتری برخوردارند. همچنین، تحصیلات بالاتر از دیپلم نسبت به تحصیلات دیپلم و پایین‌تر از آن.

واقعیت آن است که در عصر حاضر و گسترش کمی و کیفی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، ناآگاهی و ناتوانی در به‌کارگیری از این فناوری‌ها می‌تواند به گسترش شکاف بین زنان و همچنین شکاف توانمندی زنان و مردان بینجامد. حضور هرچه بیشتر این فناوری‌ها در عرصه‌های عمومی و همچنین خصوصی جامعه موجب می‌شود تا کسانی که توانایی کاربرد آن‌ها را ندارند، در مقایسه با دیگرانی که از توانایی برخوردارند، از چرخه رشد و پیشرفت باز بمانند. در این میان، زنان با تحصیلات کمتر از توانمندی کمتری نیز برخوردارند.

برای حل این معضل پیشنهاد می‌شود تا علاوه بر آموزش ساده استفاده از این فناوری‌ها (به‌خصوص استفاده از اینترنت و امکانات آن) هم در جهت کاهش هزینه‌های استفاده مناسب و مفید از این فناوری‌ها اقدامات جدی به عمل آید و هم مراکز عمومی (همچون کافی‌نت‌ها) مخصوص زنان در سطح شهرها گسترش یابند تا همه زنان با گرایش‌های مختلف فرهنگی-مذهبی بتوانند آزادانه در این اماکن رفت‌وآمد کنند و از طریق این فناوری‌ها به گسترش آگاهی و اطلاعات مورد نیاز در زندگی فردی و اجتماعی خود اقدام کنند.

منابع

- [۱] احمدنیا، شیرین (۱۳۸۴). «جایگاه زنان در جامعه اطلاعاتی؛ شکاف دیجیتالی بر مبنای جنسی»، *مردم‌سالاری*، ش ۱۰۳۳.
- [۲] استیونس، نیک (۱۳۸۴). «رسانه‌های جدید و جامعه اطلاعاتی؛ شیلر، کاستلز، ویریلیو و فمینیسم سایبر»، ترجمه پیروز ایزدی، *اطلاعرسانی و کتابداری*، ش ۶۲، ص ۷۸-۱۲۰.
- [۳] افشارکهن، جواد؛ زمانی، زهرا (۱۳۸۸). «جوانان و شکاف دیجیتالی»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۵، ش ۱۶، ص ۸۲-۱۰۲.
- [۴] ایبازن، کریستینا آلفونسو (۱۳۸۳). «زنان در فضای مجازی: یک مدینه فاضله جدید»، *زن فرزانه (فصلنامه مؤسسه مطالعات و تحقیقات زنان)*، س ۱، ش ۱.
- [۵] بهکیش، محمدمهدی (۱۳۸۱). *اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن*، تهران: نی.
- [۶] پرورش، شیوا (۱۳۸۷). «سنجش میزان آگاهی و استفاده جوانان شهر تهران از خدمات الکترونیک»، *مجله جهانی رسانه*، ش ۶.
- [۷] پستم، نیل (۱۳۸۱). *تکنوپولی: تسلیم فرهنگ به تکنولوژی*، ترجمه صادق طباطبایی، تهران: اطلاعات.
- [۸] خواجه‌نوری، بیژن (۱۳۸۵). «بررسی تأثیر فرایند جهانی شدن بر تقسیم کار خانگی، مورد

- مطالعه: زنان متأهل شهرهای تهران- شیراز- استهبان»، دانشگاه فردوسی مشهد، س ۳، ش ۲، ص ۱-۳.
- [۹] _____ (۱۳۸۵). «بررسی رابطه مؤلفه‌های فرایند جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان مطالعه موردی: تهران، شیراز و استهبان»، رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- [۱۰] ساعی ارسی، ایرج؛ ولی‌پور، شهربانو (۱۳۹۱). «شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان جهت مشارکت در توسعه اجتماعی، مطالعه موردی استان لرستان»، فصلنامه علوم اجتماعی، س ۱، ش ۲، ص ۶۸-۱۰۱.
- [۱۱] سعیدی، رحمان (۱۳۸۵). *جامعه اطلاعاتی، شکاف دیجیتالی، چالش‌ها و فرصت‌ها در کشورهای جهان سوم*، تهران: خجسته.
- [۱۲] شیرمحمدی، مهدی؛ شامی، مهدی (۱۳۸۲). «ارائه برنامه‌ای جهت کاهش شکاف دیجیتالی میان مناطق شهری و روستایی»، مجموعه مقالات همایش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستا، پژوهشکده الکترونیک دانشگاه علم و صنعت.
- [۱۳] صراف، سها (۱۳۸۵). «نقش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در توانمندسازی زنان ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۱۴] عطاران، محمد (۱۳۸۹). «شکاف دیجیتالی و نابرابری‌های آموزشی»، مجله رشد مدرسه فردا، ش ۷، دوره ۶، ص ۴-۸.
- [۱۵] فرجی سبکبار، حسنعلی؛ نعمتی، مرتضی؛ خاکی، افشین (۱۳۹۱). «بررسی سازوکار تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توانمندی زنان روستایی بر مبنای مدل DEA (مطالعه موردی روستای قرن‌آباد)»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، ش ۱، ص ۱۲۵-۱۳۸.
- [۱۶] قبادی، نسرین (۱۳۸۴). «اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) بر نابرابری جنسیتی»، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ش ۲، ص ۶۷-۸۵.
- [۱۷] کبیر، نایلا، وی، ویوان و فریدا شهید (۱۳۸۸). *توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه*، ترجمه فاطمه صادقی، نشر: تهران، آگه.
- [۱۸] کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت؛ فرخی راستایی، زهرا (۱۳۸۲). «توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه»، پژوهش زنان، دوره ۱، س ۳، ش ۷، ص ۵-۳۰.
- [۱۹] لانگه، سارا (۱۳۷۲). *معیارهایی برای توانمندسازی زنان، نقش زنان در توسعه*، تهران: روشنگران.
- [۲۰] مجیدی قهرودی، نسیم؛ آذری، فاطمه (۱۳۸۹). «بررسی نقش اینترنت در ارتقای جایگاه

زنان»، پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۱، ش ۲، ص ۸۷-۱۰۹.

[۲۱] موزر، کارولین (۱۳۷۲). برنامه‌ریزی برحسب جنسیت در جهان سوم، نقش زنان در توسعه، تهران: روشنگران.

[۲۲] مهدی‌زاده، محمدرضا؛ توکل، محمد (۱۳۸۶). «مطالعات علم و فناوری: مروری بر زمینه‌های جامعه‌شناسی فناوری»، فصلنامه برنامه و بودجه، ش ۴، دوره ۱۲، ص ۸۵-۱۲۴.

[۲۳] نوری، مرضیه (۱۳۸۵). «تحلیل زمینه‌های گسترش کاربرد فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: خراسان رضوی)»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

[24] Duncombe, R & R, Heeks. (2005). Information & Communication Technologies (ICTs). *Poverty Reduction and Micro, Small & Medium-scale Enterprises (MSMEs)*. Manchester.

[25] Dutton, W. (1999). *Society on The Line: Information Politics in The Digital Age*. Oxford, Oxford University Press.

[26] Gebremichael, M. d & W. J, Jason. (2006). "Bridging The Gap in Sub-Saharan Africa: A Holistic Look at Information Poverty and The Region's Digital Divide". *Government Information Quarterly*, (23), 267-280.

[27] Grace, J., Kenny, C. & C, Zhen- Wei Qiang. (2004). "Information and Communication of Growth Models of The Small Business". *International Small Business Journal*, 9(1), 15-31.

[28] Hafkin, N & N, Taggart. (2001). *Gender, Information Technology, and Developing Countries: An Analytic Study*. Washington, DC: Academy for Educational Development; Agency for International Development (Department of State).

[29] <http://www.ictna.ir/id054947/>.

[30] <http://www.itu.int/en/ITU-D/>.

[31] http://www.sci.org.ir/SitePages/report_90/ostani,ostani_population_report_final_permission.aspx.

[32] Lin, N. (1978). *Foundations of Social research*, New York: McGraw Hill.

[33] Matic, I. (2006). Digital Divide in Istria. in *Partial Fulfillment of The Requirements For The Degree Doctor of Philosophy*.

[34] Ragers, E. M. (1995). "Diffusion of Innovation". Manufactured in the United States of America.

[35] Tendon, N & S, Melhem. (2009). *Information and Communication Technologies for Women's Socioeconomic Empowerment*. Edited and

Contributions by Claudia Morrell, The International Bank for Reconstruction and Development, The World Bank 1818 H Street, N.W. Washington, D.C. 20433, U.S.A.

- [36] Webb, A. (2012). "ICT and Women's Empowerment". *Web Magazine Ict update*, October, No. 68, Available at: <http://ictupdate.cta.int>
- [37] Winner, L. (1986). "*Do Artifacts Have Politics, in The Whale and The Reactor*". Chicago: University of Chicago.
- [38] www.cepal.org/socinfo/noticias/paginas/0,30390,newsletter16ENG.pdf.